



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining Civil Liability Arising from an Immaterial Act in Iranian Law

Reza Hossin Gandomkar¹, Ali Reza Entezari Najafabadi², Asef Saberi^{*3}

Received:

07 Sep 2025

Revised:

16 Nov 2025

Accepted:

25 Dec 2025

Available Online:

22 Jun 2026

Keywords:

Civil Liability,
Harmful Act, Non-
Material Acts,
Causation, Harm to
Others.

Abstract

A harmful act is one of the fundamental pillars of civil liability. Although in the past this element was often regarded as synonymous with “fault”, in modern legal systems-where fault is no longer the sole basis for liability-the concept of a harmful act extends beyond fault. In legal and jurisprudential discourse, attention is generally drawn to material acts, and much of statutory regulation is grounded upon them. Nevertheless, non-material acts can, just like material ones, cause harm to others and give rise to civil liability. Acts such as defamation, insult, causing fear, false testimony, or practices like sorcery and witchcraft are non-material in nature, yet, when damage occurs and a causal link to the harmful act is proven, they result in liability. Some of these acts are inherently harmful, while others serve as a cause leading to harm. The central question of this study is whether non-material acts can constitute grounds for civil liability. The findings-based on a descriptive-analytical approach-show that whenever a non-material act meets the other conditions for the establishment of civil liability, including the existence of damage and the proof of causation, it stands on equal footing with material acts as a basis for liability. The common feature of this category of acts is the infliction of harm on others, which can manifest in diverse forms and instances.

1 Assistant Professor, Department of Private Law, University of Qom, Qom, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Law, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran.

3 Ph.D in Private Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)*

Please Cite This Article As: Gandomkar, RH; Entezari Najafabadi, AR & Saberi, A (2026). “Examining Civil Liability Arising from an Immaterial Act in Iranian Law”. *Interdisciplinary Legal Research*, 7(2): 105-120.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱۰۵-۱۲۰)

بررسی مسؤولیت مدنی ناشی از فعل غیرمادی در حقوق ایران

رضاحسین گندمکار^۱، علیرضا انتظاری نجف‌آبادی^۲، آصف صابری^{۳*}

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نراق، مرکزی، ایران.

۳. دکترای حقوق خصوصی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

چکیده

فعل زیان‌بار یکی از ارکان اساسی مسؤولیت مدنی به‌شمار می‌آید، هرچند در گذشته این عنصر غالباً با تقصیر مترادف دانسته می‌شد، اما در نظام‌های حقوقی معاصر که تقصیر تنها مبنای مسؤولیت مدنی نیست، مفهوم فعل زیان‌بار گستره‌ای فراتر از تقصیر دارد. در مباحث حقوقی و فقهی، ذهن غالباً متوجه افعال مادی می‌شود و بسیاری از مقررات قانونی نیز بر این محور استوار است. با این حال، افعال غیرمادی نیز می‌توانند همانند افعال مادی موجبات اضرار به غیر را فراهم آورده و مسؤولیت مدنی ایجاد کنند. افعالی نظیر هتک حرمت، توهین، ایجاد ترس، شهادت دروغ یا اعمالی چون سحر و جادو، از مصادیق غیرمادی‌اند که در صورت تحقق ضرر و اثبات رابطه سببیت با فعل زیان‌بار، موجب ضمان خواهند شد. برخی از این افعال فی‌نفسه ضرر محسوب می‌شوند و برخی، سبب ورود زیان می‌گردند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا افعال غیرمادی نیز می‌توانند منشأ مسؤولیت مدنی باشند؟ یافته‌های تحقیق که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به‌دست آمده، نشان می‌دهد هرگاه فعل غیرمادی واجد سایر شرایط تحقق مسؤولیت مدنی - از جمله وجود ضرر و احراز رابطه سببیت - باشد، همانند فعل مادی، از موجبات مسؤولیت به‌شمار می‌رود. وجه مشترک این دسته از افعال، اضرار به غیر است که می‌تواند در اشکال و مصادیق گوناگون جلوه‌گر شود.

کلمات کلیدی: مسؤولیت مدنی، فعل زیان‌بار، افعال غیرمادی، رابطه سببیت، اضرار به غیر.

مقدمه

مسؤولیت مدنی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث علم حقوق است که گستره‌ای وسیع و پیچیده از موضوعات را دربر می‌گیرد. تحقق این نوع مسؤولیت منوط به وجود سه رکن اصلی است: «ضرر»، «فعل زیان‌بار» و «رابطه سببیت» میان فعل زیان‌بار و خسارت واردشده به زیان‌دیده. فقدان هر یک از این ارکان، به معنای عدم تحقق مسؤولیت مدنی است و در هر دعوای مربوط، اثبات همه آن‌ها ضرورت دارد. تردید در وجود حتی یکی از این ارکان - هرچند سایر ارکان محقق باشند - می‌تواند به رد دعوای مسؤولیت مدنی بین خواهان و خوانده بینجامد. در میان این ارکان سه‌گانه، «فعل زیان‌بار» جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از چالش‌های اساسی در مباحث مسؤولیت مدنی محسوب می‌شود، زیرا قضاوت درباره زیان‌باربودن یک رفتار، علاوه بر قواعد حقوقی، تحت تأثیر عرف و معیارهای اخلاقی قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، در فعالیت‌های ورزشی، رفتاری که در شرایط عادی ممکن است سرزنش‌آمیز تلقی شود، در بستر رقابت ورزشی می‌تواند مشروع و مباح باشد. بنابراین نقش عرف در ارزیابی فعل زیان‌بار را نمی‌توان نادیده گرفت.

هرچند ضرر و زیان اغلب ناشی از افعال مادی و فیزیکی علیه مال، نفس یا اعضای بدن دیگران است، اما دسته‌ای از رفتارها، باوجود فقدان نمود فیزیکی، می‌توانند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم موجب ورود خسارت شوند. این دسته تحت عنوان «افعال غیرمادی» شناخته می‌شوند، مانند افترا و توهین که باعث لطمه به حیثیت و اعتبار فرد می‌گردند یا فریادکشیدن بر سر شخصی که موجب وحشت و آسیب معنوی او شود و حتی گاه شرایطی پدید آورد که در نتیجه آن، فرد ترسانده‌شده به دیگری زیان برساند. همچنین رجوع شاهد از شهادت خود در دادگاه، یکی دیگر از مصادیق رایج افعال غیرمادی زیان‌بار است که گاه موجب ایجاد خسارت مادی، معنوی یا جانی برای شخص مشهودعلیه می‌گردد. این درحالی است که قانون مدنی ایران در ماده ۱۳۱۹، ضمانت اجرای رجوع شاهد را صرفاً بی‌اعتباری شهادت دانسته و نسبت به سایر آثار و تبعات احتمالی آن سکوت کرده است.

بررسی‌های موجود در حوزه فعل زیان‌بار غالباً ناظر به رفتارهای مادی است و به افعال غیرمادی کمتر پرداخته شده است. این غفلت می‌تواند موجب طرح پرسش‌هایی بنیادین شود: آیا منظور از «فعل زیان‌بار» صرفاً رفتار مادی است یا این که افعال غیرمادی

را نیز دربر می‌گیرد؟ به دیگر سخن، آیا فعل غیرمادی نیز می‌تواند در زمره افعال زیان‌بار قرار گیرد و سبب ایجاد مسؤولیت مدنی شود؟ و آیا انتساب ضرر به این دسته از افعال، به‌ویژه در صورت بروز اختلاف نظر میان فقیهان و حقوق‌دانان، ممکن و موجه است یا خیر؟ پرسش‌های مذکور، محور اصلی این پژوهش را شکل می‌دهند.

با بررسی سوابق پژوهشی روشن می‌گردد که مطالعات جامع و نظام‌یافته درباره موضوع تحقیق اندک است و آنچه تاکنون انجام شده، عمدتاً محدود به بررسی مصادیق خاصی از افعال غیرمادی، نظیر ترس یا هیپنوتیزم و نیز برخی مصادیق مرتبط با قتل بوده است. به‌عنوان نمونه، سیدمحمد باقری در کتاب خود با عنوان «مسؤولیت مدنی ناشی از هیپنوتیزم» به پیامدهای قراردادی ناشی از اعمال هیپنوتیزم پرداخته است؛ عباس محمدخانی در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی نو بر تعریف فعل مادی و غیرمادی در قتل عمدی» نقش فعل غیرمادی را از منظر مسؤولیت کیفری بررسی کرده، اما به مسؤولیت مدنی افعال غیرمادی نپرداخته است. همچنین مرتضی وصالی ناصح و محمدباقر پارساپور در مقاله‌ای با عنوان «مسؤولیت مدنی ناشی از ترس» یکی از مصادیق افعال غیرمادی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما بررسی فراگیر فعل غیرمادی به‌عنوان یکی از ارکان فعل زیان‌بار و دامنه آثار آن را ارائه نکرده‌اند. دیگر تحقیقات مرتبط نیز معمولاً به تبیین جزئی مصادیق محدود بسنده کرده و پرداختی کلان و جامع در زمینه افعال غیرمادی نداشته‌اند.

در عمل، شمار قابل توجهی از زیان‌های واردشده به افراد ناشی از رفتارها یا پدیدارهای غیرمادی است، مانند چشم‌زخم، سحر و جادو، هیپنوتیزم، القانات روانی و امثال آن که هرچند فاقد بُعد فیزیکی‌اند، می‌توانند موجبات ضرر و زیان شوند. از این‌رو ضرورت دارد این دسته از افعال با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر مبانی و ارکان مسؤولیت مدنی مورد تحلیل قرار گیرند و برای آن‌ها راهکارهای حقوقی نسبتاً جامعی ارائه شود. اهمیت این پی‌جویی هنگامی برجسته می‌شود که با پیشرفت‌های علمی و فنی دامنه و پیچیدگی افعال غیرمادی روزبه‌روز افزایش می‌یابد و فقدان یک پژوهش جامع در این حوزه ضرورت انجام تحقیق حاضر را قطعی می‌سازد.

در این نوشتار، نخست، مفاهیم بنیادین و اصطلاحات محوری مرتبط با «مسؤولیت مدنی ناشی از افعال غیرمادی» با دقتی

۹۴۱). در اصطلاح نیز «فعل» از معنای لغوی خود فاصله نگرفته و به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که در یکی از زمان‌های سه‌گانه، بر انجام یا وقوع امری دلالت کرده و آن را به امری دیگر اسناد می‌دهد (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۷۳). به‌طور کلی، فعل بر انجام کار، وقوع حالت یا نسبت‌دادن صفتی در زمان حال، گذشته یا آینده دلالت دارد.

واژه «مادی» منسوب به «ماده» است (عبودیت، ۱۳۹۲: ۳/۹۶). بنابراین تعریف «ماده» ضرورت می‌یابد. در لغت، ماده به اصل هر چیز یا آن‌چه دارای وزن، جرم و جسم بوده و فضا را اشغال کند، گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۱: ۷/۶۵۰۹). تعاریف اصطلاحی «ماده» در علوم مختلف متفاوت است؛ در منطق، ماده به محتوای قضایا - مانند وجوب، امکان و امتناع - یا مقدمات قیاس بدون توجه به شکل آن اطلاق می‌شود (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۳/۲۱۶)؛ در فلسفه، ماده جوهری است که زمینه پیدایش سایر موجودات را فراهم می‌آورد، مانند خاک که ماده اصلی گیاهان و جانوران است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲/۱۵۶). در فیزیک، ماده چیزی است که دارای حجم، وزن و جرم بوده و شکل عینی و فیزیکی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲/۱۵۶). بنابراین ماده به آن دسته از چیزهایی گفته می‌شود که ماهیت فیزیکی داشته و در عالم خارج قابل مشاهده باشند. با توجه به این معانی، «فعل مادی» رفتاری است که از صورت عینی و فیزیکی برخوردار بوده و در خارج ملموس و مشهود باشد، مانند خوراندن، تخریب کردن، پرتاب از بلندی، ضرب و جرح، سوزاندن و شکستن. برای نمونه، آتش زدن خانه یا شکستن شیشه خودرو، به دلیل داشتن ماهیت عینی و مشاهده‌پذیر، از مصادیق فعل مادی محسوب می‌شوند. براساس تعریف دیگر، فعل مادی عملی است که به صورت فیزیکی بر جسم یا مال دیگری واقع شده و موجب صدمه، ضرر یا زیان گردد. به بیان دیگر، رفتاری است با ماهیت اصابتی که در عالم خارج ملموس و قابل مشاهده باشد، مانند زیر گرفتن عابر پیاده با خودرو در اثر عبور از چراغ قرمز منجر به فوت وی یا خوراندن سم به دام دیگری که به مرگ آن منتهی شود. در تمام این موارد، عنصر مشترک وجود تماس یا تأثیر فیزیکی است که موجب ورود زیان می‌شود.

۲-۱-۱- مفهوم فعل غیرمادی

باتوجه به تعریف فعل مادی در بند پیشین، می‌توان به شیوه تعریف به اضداد، «غیرمادی» را به امری نسبت داد که ماهیتی معنوی، روحانی یا مجرد از حجم، وزن و جرم داشته و فاقد جسم

מושکافانه تبیین و حدود و ثغور آن‌ها از یکدیگر بازشناسی می‌شود تا هر اصطلاح در جایگاه حقوقی خویش مستقر گردد. آنگاه، مبانی نظری این نوع از مسؤلیت و ارکان لازم برای تحقق آن، بر پایه تحلیل‌های حقوقی و استنباط‌های حقوق دانان، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. سرانجام، بخش پایانی به استخراج شناسایی و تحلیل برجسته‌ترین مصادیق افعال غیرمادی اختصاص یافته و آثار حقوقی آن‌ها در ایجاد مسؤلیت مدنی، با استناد به مواد قانونی پراکنده در منظومه قوانین ایران، به صورت دقیق ارزیابی می‌گردد.

۱- مفاهیم

در این گفتار، با هدف فراهم آوردن بستری روشن و منسجم برای مباحث آتی، نخست به تحلیل جامع مفهوم «فعل مادی» و «فعل غیرمادی» در دو سطح لغوی و اصطلاحی پرداخته می‌شود. پس از آن، مفهوم «مسؤلیت مدنی» بررسی خواهد شد تا از رهگذر این مقدمات، زمینه لازم برای ورود دقیق و نظام‌مند به بحث «مسؤلیت مدنی ناشی از افعال غیرمادی» مهیا گردد.

۱-۱- تعریف فعل

بررسی مطالعات مربوط به موضوع، به‌ویژه در قلمرو مسؤلیت مدنی، نشان می‌دهد که تعریفی صریح، دقیق و جامع از «فعل غیرمادی» ارائه نشده و این مفهوم از سوی نویسندگان حوزه یادشده مغفول مانده است. در این گفتار، ابتدا «فعل مادی» و سپس «فعل غیرمادی» از منظر حقوق مسؤلیت مدنی تعریف می‌شود.

۱-۱-۱- مفهوم فعل مادی

فعل مادی از دو جزء «فعل» و «مادی» تشکیل می‌شود. «فعل» در لغت به معنای انجام دادن، رفتار کردن، کنش، اقدام، اثر گذاشتن، نمایش دادن، ارتکاب، تقلید، به کار انداختن، عمل، رفتار، حقیقت، اعلامیه، فرمان قانون، پیمان و سرنوشت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۲۸؛ معلوف، ۱۳۶۴: ۵۸۸؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۱۵/۱؛ عمید، ۱۳۸۴: ۲/۱۵۴۴؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۷). برخی آن را اسم حدث و کنایه از حرکت انسان دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳۷/۲۸۲؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۵/۱۹۶). عده‌ای دیگر در تعریف لغوی فعل گفته‌اند: «واژه‌ای است که بر وقوع کاری، پذیرش حالتی، نسبت‌دادن صفتی به شخص یا شیء یا بیان مالکیت و امثال آن در زمانی معین دلالت دارد» (انوری، ۱۳۸۱: ۶/۵۳۸۰)؛ تعریفی که در فرهنگ معاصر نیز وارد شده است (صدری افشار، ۱۳۸۱:

باشد. به بیان دیگر، غیرمادی به معنای نبود صورت عینی و فیزیکی است. بنابراین فعل غیرمادی در لغت به رفتاری اطلاق می‌شود که فاقد ماهیت فیزیکی و ملموس باشد. در منابع حقوقی تعریفی صریح و جامع از فعل غیرمادی ارائه نشده است. با این حال، با تلفیق معنای لغوی و مفهوم مخالف فعل مادی، می‌توان فعل غیرمادی را چنین تعریف کرد: رفتاری که فاقد صورت عینی و فیزیکی است، اما آثاری در عالم خارج برجای می‌گذارد. این نوع رفتارها بدون تماس یا برخورد فیزیکی با جسم یا مال دیگری، موجب زیان یا صدمه به وی می‌شوند. به عبارت دیگر، فعل غیرمادی رفتاری است با ماهیتی غیراصابتی که خود قابل مشاهده نیست، هرچند آثار آن در خارج رؤیت‌پذیر باشد. به طور ساده، افعال غیرمادی شامل کنش‌هایی هستند که بدون اصابت به جسم یا مال دیگری، منجر به خسارات مالی یا بدنی می‌شوند. برای نمونه، چشم‌زخم که بر اثر آن شخصی متحمل زیان می‌گردد، از مصادیق فعل غیرمادی است، زیرا فاقد شکل عینی و فیزیکی بوده و تنها اثر آن محسوس است. نمونه دیگر، فریاد شخصی که موجب وحشت ناگهانی دیگری شود و این واکنش باعث بروز ضرر گردد، نیز از افعال غیرمادی محسوب می‌شود، چراکه «ترس» به عنوان پیامد این رفتار، ماهیت مادی نداشته و صرفاً اثر آن در خارج تحقق می‌یابد.

۲- مبنای مسؤلیت مدنی فعل غیرمادی

در نظام‌های حقوقی، بسته به مبنا یا مبانی اتخاذشده، دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه مسؤلیت مدنی وجود دارد. با توجه به آن که مقررات حقوق ایران به صراحت از «فعل غیرمادی» به عنوان رفتار ایجادکننده مسؤلیت یاد نکرده و به تبع آن، مبنای مسؤلیت ناشی از این گونه افعال را معین نساخته است، به نظر می‌رسد با استناد به مقررات گوناگون موجود در باب مسؤلیت مدنی، می‌توان مبانی زیر را به عنوان مبانی قابل قبول برای مسؤلیت ناشی از فعل غیرمادی شناسایی کرد.

۲-۱- تقصیر

بر اساس این نظر، مبنای مسؤلیت، «تقصیر» است، خواه عمدی باشد یا غیرعمدی. ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی ایران، فعل زیان‌بار ناشی از عمد یا بی‌احتیاطی را موجب مسؤلیت می‌داند، اعم از آن که فعل مادی باشد یا غیرمادی. مفاد این ماده، به عنوان مهم‌ترین ضابطه‌ای که تقصیر را مبنای مسؤلیت قرار داده است، بر منبع و سبب ضرر ناشی از رفتار مقصر تأکید دارد، نه بر ماهیت مادی یا غیرمادی فعل. بر مبنای دیدگاه حقوق دانان، مفهوم تقصیر طی زمان دچار تحول شده و آنچه امروزه در نظام‌های حقوقی مبتنی بر تقصیر پذیرفته شده، مفهوم نوعی آن است. مقصود از این مفهوم، رفتاری است که یک فرد متعارف و محتاط - در همان اوضاع و احوال خارجی که مرتکب در آن قرار داشته - انجام نمی‌دهد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). به بیان دیگر، تقصیر به معنای تجاوز از حدود رفتار انسان متعارف است (مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ق.م.ا). مطابق این تعریف، تقصیر یا ترک رفتاری است که انسان متعارف از انجام آن خودداری می‌کند یا انجام عملی است که انسان متعارف مرتکب آن نمی‌شود. بر همین

۲-۱- مفهوم مسؤلیت مدنی

مسؤلیت در معنای کلی، به پاسخگویی انسان در قبال اعمال و رفتار خود در حیات فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۵). در نظام حقوقی اسلام، فقیهان این بحث را ذیل عنوان «ضمان» مطرح کرده و به بررسی ابعاد آن پرداخته‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۳۰). برخی، در تعریف ضمان بر نهاد «جبران خسارت» تأکید کرده‌اند. شیخ انصاری در این باره تصریح کرده است: «کون تلفه علیه» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۸۰/۳). گروهی دیگر، ضمان را به «تدارک به عوض» تبیین نموده و آن را «التزام به پرداخت عوض در برابر خسارتی که به دیگری وارد آمده است» تعریف کرده‌اند (زرqa، بی‌تا: ۱۰۳۲/۲). شیخ انصاری نیز در جای دیگر بیان می‌کند: «فالمراد بالضمان بقول مطلق، هو لزوم تدارک به عوضه الواقعی» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۸۴/۳)، به این معنا که ضمان به طور مطلق عبارت است از لزوم جبران و پرداخت شیء در برابر عوض واقعی آن. همچنین دیدگاهی وجود دارد که ضمان را «وجود چیزی برعهده شخص» دانسته‌اند، بدین توضیح که فرد،

تسبیب (اتلاف غیرمستقیم) را به‌عنوان اسباب عام مسؤولیت مدنی برشمرده‌اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۶۱). در چهارچوب اتلاف، آن‌چه در مسؤولیت مدنی اهمیت اساسی دارد، اسناد ضرر به فاعل است. برخی فقیهان در بحث قاعده اتلاف تصریح کرده‌اند که عناوین مباشرت و تسبیب، در مبانی و ادله این قاعده موضوعیتی ندارند و ملاک تحقق آن، «صدق عرفی اتلاف» بر رفتار عامل زیان است (حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۴۳۶/۲). بر این اساس، تشخیص مسؤولیت به داوری عرف واگذار می‌شود و عرف هر شخصی را که سبب زیان می‌شمارد، مسؤول جبران خسارت می‌داند، چه فعل او مادی باشد و چه غیرمادی. مطابق همین دیدگاه، در اتلاف نیز ملاک ضمان، تحقق عرفی اتلاف و معیار آن، استناد عرفی ضرر به ضامن است (غروی اصفهانی، ۱۴۲۵: ۳۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۷۹/۲). فقیهان دیگری نیز همین اصل را مبنای مسؤولیت دانسته‌اند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۴۱/۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۳: ۲۸/۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۵۶/۲).

در حقوق موضوعه، ماده ۳۳۲ قانون مدنی در فرض اجتماع سبب و مباشر، اصل را بر مسؤولیت مباشر نهاده است، زیرا عرفاً و نوعاً زیان به مباشر منتسب می‌شود. با این حال، صدر ماده به ذکر قاعده‌ای می‌پردازد، مبنی بر این که در هر حال، ملاک تعیین سبب حادثه، «استناد عرفی» است. به بیان دیگر، مباشرت به اعتبار نزدیکی به حادثه، اماره قانونی بر اقوی بودن سبب تلقی می‌شود، ولی هرگاه سبب اقوی باشد، او مسؤول خواهد بود و معیار تشخیص این امر، عرف است. از مواد ۳۱۵ و ۶۳۱ قانون مدنی و ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی نیز می‌توان این نتیجه را استنباط کرد. ماده ۳۱۵ قانون مدنی، درخصوص مسؤولیت غاصب - که از مصادیق مسؤولیت استثنایی است - استناد ضرر به فعل غاصب را شرط نمی‌داند. مفاد این ماده بدین معناست که اصل در مسؤولیت، نیاز به استناد زیان به فعل (مادی یا غیرمادی) عامل ضرر دارد، اما در غصب، مسؤولیت به‌طور مطلق برعهده غاصب است. همچنین مواد ۶۳۱ و ۲۷۸ قانون مدنی و ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی، به‌طور ضمنی بر این مبنا تأکید دارند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز، ملاک ضمان بر «قابلیت استناد» استوار شده است. ماده ۴۹۲ این قانون مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آن که به‌نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع انجام شود.» ماده ۵۰۰ به‌صراحت بیان می‌کند: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند آن که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.» همچنین

اساس، حتی صغیر و مجنون نیز ضامن خسارات ناشی از عمل خود به دیگران هستند (ماده ۱۲۱۶ ق.م). در فقه امامیه نیز ضمان، از احکام وضعی شمرده شده و صغر و جنون مانع تحقق آن نیست (بجنوردی، ۱۴۱۳: ۱۷۳/۴). باتوجه به این تعریف، در صورتی که فردی مرتکب فعل غیرمادی شود که موجب اضرار به غیر گردد، باید بررسی کرد که آیا مسؤولیت برعهده او قرار می‌گیرد یا خیر. بررسی مصادیق افعال غیرمادی نشان می‌دهد که این‌گونه اعمال غالباً از سنخ رفتارهای غیرمتعارف‌اند، نظیر ترساندن دیگران، هیپنوتیزم کردن آن‌ها، رجوع غیرموجه شاهد از شهادت یا موارد مشابه که با رفتار انسان عاقل و معقول سازگار نیست، حتی در حالتی که فرد دارای قدرتی خارق‌العاده باشد - همچون چشم‌زخم - شخص عاقل از اعمال این‌توان درجهت اضرار به دیگران خودداری می‌کند و درصدد کنترل آن برمی‌آید. در غیر این صورت، رفتار وی غیرمتعارف خواهد بود و می‌تواند مسؤولیت مدنی برای او ایجاد کند.

بر این اساس، نخست آن که افعال موجب مسؤولیت مدنی منحصر به افعال مادی نیستند، زیرا ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، عمد و بی‌احتیاطی عامل زیان را، خواه فعل باشد یا ترک فعل، سبب مسؤولیت می‌داند. همچنین ماده ۳۲۸ قانون مدنی، معیار مسؤولیت را «اتلاف»، صرف‌نظر از نوع سبب، مقرر کرده و ماده ۳۳۲ این قانون، صرفاً استناد ضرر به فاعل را ملاک مسؤولیت می‌شمرد و نه مادی بودن فعل را. مطابق این ماده: «در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است، مگر آن که سبب اقوی باشد، به‌نحوی که عرفاً زیان منتسب به او باشد»، علاوه بر این، مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - که نشان‌دهنده اراده نهایی قانون‌گذار است - در مواد گوناگونی، از جمله ۴۹۲، ۵۰۰ و ۵۲۹ قابلیت استناد ضرر به فاعل را مبنای مسؤولیت معرفی می‌کند. بنابراین در هر مورد که این استناد احراز شود، فاعل مسؤول خواهد بود؛ دوم آن که، ارتکاب رفتار غیرمتعارف - اعم از فعل مادی یا غیرمادی - ایجاد مسؤولیت می‌کند و در هر پرونده باید احراز شود که آیا فعل غیرمادی ارتکابی از نوع متعارف است یا خیر که در صورت اخیر، فاعل ضامن است.

۲-۲- اسناد عرفی

یکی از مهم‌ترین مبانی ایجاد مسؤولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران، «اتلاف» است. اتلاف را می‌توان مبنای عام مسؤولیت مدنی دانست، به‌گونه‌ای که حقوق‌دانان ایرانی نیز به‌دلیل جایگاه ویژه آن، پس از اسباب ضمان قهری، اتلاف و

وارد شده و فعل زیان آور. به بیان دیگر، لازم است میان خسارت وارده و رفتار مسؤول، پیوند علی و معلولی احراز گردد.

۱-۳- وجود ضرر

در حقوق ایران، تعریف قانونی مشخصی از «ضرر» ارائه نشده و ظاهراً تعیین مفهوم آن به عرف واگذار شده است. مطابق برداشت عرفی و براساس مقررات موجود، از جمله ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، ضرر شامل زیان‌های مادی، مانند تلف حقیقی یا حکمی عین یا منفعت، نقص در اموال، فوت منافع مسلم و نیز زیان‌های معنوی همچون لطمه به حیثیت، شهرت، آزادی، احساسات و عواطف یا هر حقی با ماهیت غیرمادی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۶). همچنین صدمات و جراحات وارده به تمامیت جسمانی اشخاص نیز از مصادیق ضرر محسوب می‌گردد. برخی حقوق دانان، ضرر را «نقص در مال، صدمه به جان یا وهن در عرض دیگری، مشروط بر آن که مقتضی قریب آن تحقق یافته باشد» تعریف کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۸۹۱۸). در مجموع، «ضرر» مفهومی عرفی است که دامنه‌ای وسیع از اضرار مادی، معنوی، جسمی و نیز عدم‌النفع را دربر می‌گیرد.

در افعال غیرمادی نیز امکان تحقق انواع ضرر وجود دارد. این ضرر ممکن است مادی، جسمی یا معنوی باشد. برای نمونه، اگر شخصی با فریاد و ارباب موجب ترس دیگری شود و در نتیجه، وی به زمین بیفتد و تلفن همراهش بشکند یا اگر فردی از طریق تهدید، دیگری را از بهره‌برداری از منفعت ملک استیجاری خود محروم نماید یا در نتیجه شهادت دروغ، شخصی به ناحق به زندان محکوم و از نیروی کار خویش محروم گردد یا در اثر هیپنوتیزم، زیان دیده به تحریک هیپنوتیزم کننده به مال یا جسم خود آسیب زند یا مال خود را به او منتقل کند، همگی نمونه‌های ورود ضرر از طریق فعل غیرمادی‌اند.

ضرر جسمانی می‌تواند هم‌زمان خسارت‌های مادی و معنوی را در پی داشته باشد. به‌عنوان مثال، چنان‌چه شاهدان دروغین شهادت دهند که فردی مرتکب سرقت شده است و بر اثر این شهادت، دست وی قطع شود، از یک‌سو خسارت معنوی به او وارد آمده است، زیرا حیثیت، شرافت و اعتبار اجتماعی وی خدشه‌دار شده و از سوی دیگر خسارت مادی تحقق یافته، چراکه هزینه‌های درمان، دارو و مراقبت پزشکی بر او تحمیل گردیده، علاوه بر آن با از دست‌دادن عضو، توانایی کارکردن پیشین و در نتیجه بخشی از درآمد و منافع سابق خود را نیز از دست داده

ماده ۵۲۹، بی‌تردید «استناد» را به‌عنوان مبنای اصلی مسؤولیت ناشی از اتلاف معرفی کرده است: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.»

حقوق دانان ایرانی نیز در بحث اتلاف و تسبیب، «استناد» را شرط مسؤولیت دانسته‌اند، هرچند در انتساب ضرر از طریق تسبیب، تقصیر را نیز شرط شمرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۹؛ امامی، ۱۳۶۸: ۳۹۳/۱؛ یزدانیان، ۱۳۸۶: ۱۲۵). بنابراین در نظر ایشان آنچه اهمیت دارد، «استناد» است؛ با این تفاوت که در اتلاف، انتساب ضرر به متلف مورد تردید نیست، ولی در تسبیب، احراز تقصیر وسیله تسهیل‌کننده استناد به‌شمار می‌رود (ماده ۳۳۴ ق.م.ا، البته نظر مخالفی نیز وجود دارد که تقصیر را در تسبیب شرط نمی‌داند (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۸؛ باریکلو، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

در فقه اسلامی، برای اثبات لزوم جبران خسارت به قواعدی نظیر «لاضرر» - در صورتی که مفاد آن نفی ضرر غیرمتدارک یا نفی حکم ضرری باشد و از آن، حکم به لزوم تدارک نتیجه شود (انصاری، ۱۴۲۴: ۳۷۳/۳؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۵۷) - قاعده اتلاف، قاعده تسبیب (داراب‌پور، ۱۳۹۰: ۸۰-۷۴)، بنای عقلا بر لزوم جبران ضرر (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۵۱/۱)، حکم عقل به حرمت اضرار و لزوم جبران آن، و نیز قاعده غرور استناد شده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۹/۳). با این حال، در موضوع حاضر، نخست باید تحقق «استناد ضرر» به فاعل احراز گردد، سپس با اتکا به ادله فوق، حکم به جبران صادر شود. توضیح آن که دلایل یادشده، اصل لزوم جبران را اثبات می‌کنند، اما تعیین شخص مسؤول و ماهیت فعل (مادی یا غیرمادی) که موجب ضرر شده، تابع بررسی اسناد عرفی است. ضرر وارده نیز می‌تواند مصداق تلف (اعم از حقیقی یا حکمی، یا زیان به عین یا منفعت)، غرور، تقصیر و مانند آن باشد.

۳- ارکان مسؤولیت مدنی فعل غیرمادی

مسؤولیت مدنی در هر دعوا بر سه رکن اصلی استوار است و تحقق آن منوط به اجتماع هر سه شرط می‌باشد. احراز این شرایط برای صدور حکم به نفع زیان دیده و الزام شخص مسؤول به جبران خسارت، ضروری بوده و اثبات آن برعهده خواهان است. این ارکان عبارت‌اند از: نخست، وقوع ضرر که باید به زیان دیده وارد شده باشد؛ دوم، ارتکاب فعل زیان‌بار یا خطای عامل زیان که منشأ ورود خسارت است؛ سوم، وجود رابطه سببیت میان ضرر

باشد، اگر با قصد اضرار انجام گیرد، مسؤولیت ایجاد می‌شود. افزون بر این، شروطی نظیر مشروع یا نامشروع بودن فعل، در صورت لحاظ، موجب «دور منطقی» می‌گردد، زیرا با فرض مشروع بودن فعل، مسؤولیت منتفی می‌شود و با ورود ضرر، نامشروع بودن مفروض خواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۶۱).

بر اساس بررسی منابع فقهی و مفاد قاعده لاضرر، اضرار به غیر ذاتاً نامشروع است و هر خسارتی باید جبران گردد، مگر در موارد استثنایی، مانند احسان یا دفاع مشروع که به موجب اجماع و در شرایط خاص، از شمول قاعده خارج شده‌اند. بنابراین کفایت می‌کند که وقوع ضرر و انتساب آن به فاعل احراز گردد و هیچ دلیل معتبری بر خروج زیان ناشی از فعل غیرمادی از دایره مسؤولیت وجود ندارد.

در فرضی که مبنای مسؤولیت، «تقصیر» قرار گیرد، فعل زیان‌بار همان فعل مقصرانه خواهد بود و مراد از تقصیر نیز «رفتار غیر متعارف» است، یعنی عملی که یک انسان عاقل و محتاط در شرایط مشابه مرتکب آن نمی‌شود، بدین‌سان، هرگاه رفتاری - مادی یا غیرمادی - موجب ورود خسارت شود، باید بررسی گردد که آیا از دید معیار رفتار انسان متعارف، آن عمل ناهنجار است یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد، رفتار مزبور مصداق تقصیر بوده و مسؤولیت‌آور خواهد بود. استقرای مصادیق افعال غیرمادی نظیر ترساندن، توهین و امثال آن نشان می‌دهد که چنین رفتارهایی از دایره عرفی رفتار متعارف خارج‌اند و اشخاص معقول و متمدن، از ارتکاب آن‌ها پرهیز می‌کنند.

۱-۲-۳- مصادیق فعل غیرمادی زیان‌آور

در منظومه حقوقی ایران، افعال غیرمادی - گرچه فاقد نمودهای عینی و ملموس‌اند - همچون اعمال مادی می‌توانند موجب مسؤولیت مدنی کامل باشند. نمونه‌هایی چون چشم‌زخم، سحر و جادو، هیپنوتیزم، ترس، هتک حرمت، انتقال بیماری‌های واگیردار، القای روانی و شوک روانی، به‌همراه تصمیمات قضات، داوران، کارشناسان و حتی رفتار شهود، همگی در شمار کنش‌هایی قرار می‌گیرند که به استناد قواعد اتلاف و تسبیب مندرج در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و اصول عام قانون مسؤولیت مدنی، قابلیت ایجاد خسارات مادی یا معنوی را دارند. در بخش‌های آتی، هریک از این مصادیق به اختصار مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

است. در چنین مواردی، عاملان ورود ضرر - خواه از طریق شهادت دروغ، القای هیپنوتیزم یا سایر اسباب غیرمادی - ضامن بوده و ملزم به جبران کلیه خسارات وارده خواهند بود.

۲-۳- فعل زیان‌بار

فعل زیان‌بار، دومین رکن اساسی مسؤولیت مدنی به‌شمار می‌رود. تحقق مسؤولیت، مستلزم وقوع فعل - اعم از مادی یا غیرمادی - است، زیرا بدون رفتار خارجی، ضرر به‌وجود نمی‌آید و موضوعاتی مانند «لاضرر» یا «اتلاف» مصداق نخواهند یافت (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). در خصوص مفهوم فعل زیان‌بار، میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد: آیا هر رفتاری که موجب ورود خسارت به دیگری شود، مسؤولیت‌آور است یا فعل باید واجد اوصافی، چون غیرقانونی بودن، غیراخلاقی بودن یا قابلیت سرزنش اخلاقی باشد؟ پاسخ به این پرسش وابسته به مبنای مسؤولیت مدنی در هر نظام حقوقی است. در نظام‌هایی که مبنای انحصاری مسؤولیت «تقصیر» است، فعل زیان‌بار معادل با «فعل مقصرانه» تلقی می‌شود، یعنی رفتاری که یک انسان متعارف در شرایط مشابه مرتکب آن نمی‌گردد (تقصیر نوعی)، اما در نظام‌هایی که تقصیر تنها یا اصلاً مبنای مسؤولیت نیست، فعل زیان‌بار هر رفتاری است که موجب ورود زیان شود و با آن رابطه سببیت داشته باشد، بدون آن که لزوماً اوصاف اخلاقی یا قانونی خاصی داشته باشد. در نظام‌های مختلط، همچون حقوق ایران، حسب مورد از هر دو مبنا استفاده می‌شود.

برخی از حقوق‌دانان نامشروع بودن فعل را شرط دانسته و زیان‌بار دانستن رفتار را منوط به ناهنجاری اخلاقی یا مخالفت با نظم عمومی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴۱). ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، ظاهراً «عدم اجازه قانون» را معیار فعل زیان‌بار معرفی کرده است؛ با این حال، این معیار کافی به‌نظر نمی‌رسد، زیرا اولاً قانون همه افعال مجاز را به‌صراحت معرفی نکرده و در این صورت، مرز میان مسؤولیت مدنی و کیفری محدودش می‌شود؛ ثانیاً همه افعال مجاز لزوماً مضمون از مسؤولیت نیستند. در مقابل، برخی دیگر بر مبنای قاعده «لاضرر» معتقدند که صرف وجود ضرر و انتساب آن به عامل زیان برای تحقق مسؤولیت کافی است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) و مسؤولیت برآیند اجتماع دو عنصر ضرر و سببیت خواهد بود. عده‌ای نیز در بحث اتلاف بر این باورند که نامشروع بودن فعل شرط تحقق مسؤولیت نیست؛ ماده ۳۲۸ قانون مدنی تصریح دارد که اتلاف، به هر شکل که واقع شود، مسؤولیت‌آور است، حتی در مواردی که فعل قانونی

۱-۲-۳- چشم‌زخم

چشم‌زخم، یکی از بارزترین مصادیق افعال غیرمادی به‌شمار می‌رود. براساس قواعد اتلاف و تسبیب مقرر در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و همچنین ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، شخص شورچشم در صورت وارد آوردن خسارت، ضامن جبران آن است، حتی اگر فعل وی فاقد قصد اضرار باشد. این مواد، بدون لحاظ ماهیت مادی یا غیرمادی عمل زیان‌بار، هرگونه تلف، ایجاد سبب تلف، نقص یا عیب مال دیگری را موجب مسؤولیت دانسته‌اند. بنابراین اگر فردی با نگاه یا کلام خود، چه به‌شکل مستقیم و چه غیرمستقیم، سبب از بین رفتن، نقصان یا معیوب شدن مال دیگری شود، مکلف به جبران کامل خسارت خواهد بود. ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی نیز با دامنه‌ای گسترده، هر فعل زیان‌بار را - اعم از مادی یا غیرمادی - در صورتی که ورود ضرر به دیگری را در پی داشته باشد، مسؤولیت‌آور می‌شمارد، بدین ترتیب در نظام حقوقی ایران، چشم‌زخم به‌عنوان فعلی غیرمادی نیز می‌تواند موجب الزام شورچشم به جبران خسارت شود، مشروط بر آن که رابطه سببیت میان عمل و ضرر اثبات گردد.

۱-۲-۳- سحر (جادو)

سحر و جادو، به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌ترین مصادیق افعال غیرمادی، هرگاه منتهی به ورود زیان گردد، موجب تحقق مسؤولیت مدنی خواهد بود. مبنای این مسؤولیت، قواعد اتلاف و تسبیب مندرج در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و اصول کلی جبران خسارت در مواد ۱، ۲، ۵، ۶ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی است. به‌موجب این مقررات، هر فعل زیان‌بار، اعم از مادی یا غیرمادی، در صورت ورود خسارت مادی یا معنوی، مسؤولیت‌آور خواهد بود، بدین ترتیب اگر ساحر با اعمال خود مستقیماً یا به‌طور سببی موجب تلف یا نقص مال، بیماری جسمی یا روحی، کاهش قدرت کار یا محرومیت از درآمد گردد، ملزم به جبران هزینه‌های درمان، خسارت ناشی از از کارافتادگی یا زیان‌های معنوی خواهد بود. در مواردی، مانند طلاق ناشی از سحر که حیثیت یا شهرت طرفین آسیب می‌بیند، جبران ضرر معنوی نیز پیش‌بینی شده است، حتی خسارات ناشی از مرگ یا جراحات در اثر ترس حاصل از سحر، براساس ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی، می‌تواند موجب محکومیت ساحر به دیه یا جبران هزینه‌های درمان شود. اطلاق واژگان «عمل»، «آسیب» و «لطمه» در قانون، نشان‌دهنده شمول کامل بر افعال غیرمادی چون سحر است. بنابراین قانون‌گذار راه هرگونه فرار از مسؤولیت را بسته و اصل

لزوم جبران کلیه خسارات را، فارغ از شکل و ماهیت فعل، تثبیت نموده است.

۱-۲-۳- هیپنوتیزم

هیپنوتیزم، به‌عنوان فعلی غیرمادی با قابلیت ایجاد مسؤولیت مدنی، تحت شمول قواعد عمومی جبران خسارت و مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی (مسؤولیت متلف و سبب تلف) قرار می‌گیرد. هرگونه تلف، نقص یا عیب مال ناشی از اعمال هیپنوتیزم، چه به‌شکل مستقیم و چه غیرمستقیم، مسؤولیت‌آور است، مانند سوق دادن فرد هیپنوتیزم‌شده به تخریب خودرو یا مسموم کردن حیوان. طبق ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، هر خسارت مادی یا معنوی ناشی از فعل زیان‌بار نامشروع، از جمله هیپنوتیزم، قابل مطالبه است. آثار زیان‌بار می‌تواند شامل آسیب جسمی (ماده ۵ ق.م.م)، بیماری یا انتقال بیماری (مواد ۴۳۵ و ۴۹۳ ق.م.م)، لطمه به حیثیت و اعتبار (ماده ۱۰ ق.م.م و تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک)، افشای اسرار (مواد ۲ و ۱۰ ق.م.م)، مزاحمت و آسیب روحی (ماده ۱۳۲ ق.م.م و ماده ۲ ق.م.م)، خدشه به اعتبار تجاری (ماده ۸ ق.م.م)، شهادت دروغ و تضییع حق (ماده ۲۵۹ ق.آ.د.ک)، برقراری رابطه نامشروع (ماده ۹ ق.م.م) یا حتی قتل غیرعمد (ماده ۶ ق.م.م) باشد. مسؤولیت بسته به مورد، متوجه هیپنوتیزور یا هیپنوتیزم‌شونده خواهد بود و بر مبنای اصول کلی و مقررات خاص، جبران کامل خسارات الزامی است.

۱-۲-۳- ترس

ترس نیز، مصداقی روشن از فعل غیرمادی زیان‌بار است که می‌تواند مسؤولیت مدنی و کیفری ایجاد کند. براساس مواد ۴۹۹، ۵۰۱ و ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی، ایجاد وحشت که منجر به صدمه جسمی، مرگ یا زوال عقل گردد، حسب مورد موجب قصاص، دیه یا ارش می‌شود و این منطبق به خسارات مالی نیز تسری می‌یابد، چنان‌که سقوط اشیای قیمتی در اثر فرار ناگهانی ناشی از ترس قابل جبران است. مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی نیز در خصوص تلف یا نقص مال ناشی از ترساندن (مانند فریاد یا کشیدن سلاح) مسؤولیت متلف و سبب را مقرر می‌دارند. ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی دامنه ضمان را به کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از اعمال مادی یا غیرمادی گسترش داده و با مواد ۲، ۵ و ۶ آن، هرگونه «آسیب» به جان، مال، سلامتی یا حیثیت - حتی اگر منشأ روانی داشته باشد - قابل جبران شناخته شده است. نمونه‌ها شامل بیماری روانی ناشی از وحشت، کاهش قدرت کار، هزینه درمان، لطمه حیثیتی و حتی قتل غیرعمد در

۴۳۹) نیز در موارد فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، بلاواسطه یا با فاصله زمانی، مسؤولیت کیفری و مالی را متوجه مرتکب می‌داند، حتی در فقدان قصد مجرمانه، سهل‌انگاری یا بی‌احتیاطی کافی است. همچنین خودداری از اعلام بیماری به کادر درمان و ابتلای آنان، می‌تواند موجب دیه یا قصاص شود. در صورت نقص یا سکوت قانون، ماده ۳ ق.آ.د.م قاضی را مکلف به استناد به فتاوی فقیهان امامیه می‌کند که غالباً بر لزوم جبران خسارت ناشی از انتقال بیماری تصریح داشته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸: ۱۷۲/۲؛ مکارم شیرازی، آنلاین)، بدین ترتیب، انتقال بیماری واگیردار، به‌عنوان فعلی غیرمادی با آثار ملموس، هم در بُعد مدنی و هم کیفری، مستوجب جبران خسارت کامل و تأمین حقوق زیان‌دیدگان است.

۷-۱-۲-۳- القای روانی

القای روانی، براساس مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و مواد ۱، ۲ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی، در صورت ورود خسارت، ضمان‌آور خواهد بود. این نوع فعل غالباً در روابط پزشکی اهمیت ویژه می‌یابد، زیرا القای نگرانی، ناامیدی یا اضطراب توسط پزشک می‌تواند به تشدید مشکلات جسمی یا روحی بیمار، افزایش هزینه‌های درمان، مراجعات غیرضروری یا کاهش اراده بیمار برای ادامه درمان بینجامد. همه این خسارات، در صورت اثبات رابطه سببیت با القای روانی، قابل مطالبه و جبران هستند. اطلاق واژه «آسیب» در ماده ۶ قانون مسؤولیت مدنی، شمول آن بر اثرات غیرمادی را تضمین می‌کند. بنابراین، اگر القای روانی منجر به فوت شود، مسؤولیت جبران کامل زیان‌های وابسته، از هزینه‌های درمان و کفن و دفن تا پرداخت نفقه قانونی بازماندگان، برعهده الفاکنده خواهد بود، بدین ترتیب این نهاد حقوقی دامنه‌ای گسترده برای حمایت از زیان‌دیدگان در برابر اثرات روانی زیان‌بار فراهم می‌آورد.

۸-۱-۲-۳- شوک روانی

در حقوق ایران، هرچند نص صریحی برای جبران خسارت ناشی از شوک روانی وجود ندارد، اما روح حاکم بر قوانین و مواد کلیدی چون ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی و تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، این آسیب را به‌عنوان یکی از مصادیق روشن «خسارت معنوی» به رسمیت می‌شناسد. شوک روانی، به‌عنوان صدمه شدید بر روح و روان، در چهارچوب تعریف جامع

اثر ارباب است، بدین ترتیب قانون‌گذار با اطلاق واژگان و پیش‌بینی گسترده مصادیق، تضمین کرده که زیان‌های ناشی از ترس، فارغ از ماهیت غیرمادی فعل، مشمول جبران کامل قرار گیرند.

۵-۱-۲-۳- هتک حرمت

هتک حرمت و حیثیت نیز از مصادیق بارز افعال غیرمادی زیان‌بار است که هم در سطح قانون اساسی (اصول ۲، ۲۲، ۳۶، ۳۷، ۳۹ و ۱۷۱) و هم قوانین عادی، مورد حمایت جدی قرار گرفته است. ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، لطمه به حیثیت را در کنار جان و مال، مشمول جبران خسارت مادی و معنوی می‌داند و مواد ۸ و ۱۰ این قانون، به‌طور خاص راه را برای مطالبه خسارت ناشی از هتک حیثیت هموار کرده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری در تبصره ۱ ماده ۱۴، هتک حیثیت را مصداق زیان معنوی شمرده و علاوه بر جبران مالی راهکارهایی، مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم در جراید را تجویز کرده است. قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۹۸) جرم نشر اکاذیب به قصد اضرار را بدون شرط ورود خسارت، مستوجب مجازات و اعاده حیثیت می‌داند و قانون مطبوعات (ماده ۳۰ و تبصره ۱) انتشار مطالب توهین‌آمیز را ممنوع کرده، هرچند پس از اصلاح به‌موجب نظر شورای نگهبان، جبران تنها از طریق غیرمالی ممکن است. همچنین قانون سمعی و بصری (بند «ب» ماده ۵) با جرم‌انگاری تهیه و انتشار تصاویر خصوصی بانوان، حمایت کیفری و ضمنی مدنی از حیثیت را تثبیت می‌کند. در همه این مقررات، اصل حاکم آن است که فعل غیرمادی هتک حرمت، در صورت اثبات رابطه سببیت با ضرر، ضمان‌آور بوده و مرتکب ملزم به جبران کامل خسارات است، هرچند ضمانت‌اجراها بسته به قانون حاکم و اوصاف واقعه، می‌تواند کیفری، مدنی یا توأمان باشد.

۶-۱-۲-۳- انتقال بیماری واگیردار

انتقال بیماری واگیردار، یکی دیگر از مصادیق فعل غیرمادی زیان‌بار است که براساس قواعد اتلاف و تسبیب (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م) و اصول عام قانون مسؤولیت مدنی (مواد ۱، ۲، ۵ و ۶) موجب ضمان می‌گردد. این ضمان شامل جبران هزینه‌های درمان، خسارات ناشی از محرومیت از کار و درآمد، هزینه پرستاری، زیان‌های بدنی و مالی و حتی هزینه‌ها و تعهدات وابسته به فوت منتقل‌الیه می‌شود. قانون مجازات اسلامی (ماده

تأخیر غیرموجه در رسیدگی را موجب مسؤولیت مدنی و حبس یا انفصال قضات می‌داند. قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مواد ۱۴۵، ۲۵۵، ۲۵۹ و ۵۱۸ به موارد خاص، مانند بازرسی و بازداشت اشتباهی پرداخته و در صورت بی‌گناهی یا منع تعقیب، دولت را مکلف به جبران خسارت کرده است، با حق رجوع به مقام قضایی مقصر. ماده ۳۳۱ قانون مدنی و مواد ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۰ و ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی نیز مبنای کلی جبران خسارت ناشی از رأی قضایی - اعم از مادی و معنوی، آسیب بدنی یا مرگ، لطمه به حیثیت و اعتبارات - را فراهم می‌کنند.

۲-۹-۱-۳- مسؤولیت مدنی ناشی از رأی داور

در مسؤولیت مدنی، برخلاف مسؤولیت کیفری، دامنه رفتارهای زیان‌بار محدود به نص خاص نیست و اصول عامی، چون لزوم جبران هر نوع خسارت بر آن حاکم است. به همین دلیل، رأی داور در صورتی که ناشی از تدلیس، تقلب، رشوه، توصیه‌پذیری یا بی‌اعتنایی به اصول داور و عدالت باشد، مصداق فعل غیرمادی نامشروع محسوب می‌شود. مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و ۱ و ۲ قانون مسؤولیت مدنی همراه با ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مبنای الزام داور به جبران خسارات ناشی از چنین آرایبی هستند. نمونه‌ها شامل صدور رأی جانبدارانه، عدم بررسی دقیق مدارک، تجاوز از صلاحیت و اقدامات خارج از حدود توافق داور است. همچنین ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی داور را در صورت امتناع غیرموجه از صدور رأی و ورود خسارت به طرفین، مسؤول می‌شناسد، مانند تأخیر در داور که موجب از دست رفتن فرصت تجاری یا تحمیل هزینه‌های اضافی به طرفین می‌شود.

۲-۳-۱-۳- مسؤولیت مدنی ناشی از رأی کارشناس

کارشناسان رسمی دادگستری با ارائه نظریه‌های تخصصی نقش مؤثر در تصمیم قضات دارند. هرگونه بی‌دقتی، سهل‌انگاری، نقص صلاحیت یا عدم رعایت اصول کارشناسی که منجر به صدور نظر نادرست شود و خسارت به طرفین وارد کند، موجب مسؤولیت مدنی کارشناس است. مواد ۲۶ قانون کارشناسان رسمی، ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی، ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اطلاق مواد ۳۲۸ و

خسارت معنوی قابل مطالبه است و مرتکب ملزم به جبران آن می‌باشد. ماده ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی نیز آثار شدید شوک روانی - مانند اختلال روانی کمتر از جنون - را مشمول ارش دانسته است. افزون بر زیان معنوی، پیامدهای جسمی و مالی ناشی از شوک - از بیماری‌های روانی جدی تا مشکلات قلبی یا گوارشی - به استناد مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م و مواد ۱ و ۲ قانون مسؤولیت مدنی ضمان‌آور بوده و هزینه‌های درمانی آن قابل مطالبه است. در صورت منجر شدن شوک روانی به فوت، ماده ۶ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کامل جبران خسارات مادی و معنوی وارده، از دیه و کفن و دفن تا حقوق قانونی بازماندگان، را برعهده عامل این فعل زیان‌بار قرار می‌دهد.

۲-۳-۱-۳- رأی (قاضی، داور و کارشناس)

۱-۳-۲-۱-۳- مسؤولیت مدنی ناشی از رأی قاضی

اصل ۱۷۱ قانون اساسی محور اصلی پذیرش مسؤولیت مدنی قضات در ایران است. این اصل مقرر می‌دارد که: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع، حکم یا تطبیق حکم، ضرر مادی یا معنوی وارد شود، در صورت تقصیر، مرتکب شخصاً ضامن است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.» دامنه «قاضی» عام است و همه مقامات قضایی از قضات بدوی و تجدید نظر تا دادستان‌ها و بازپرسان را شامل می‌شود (صورت مشروح مذاکرات بررسی قانون اساسی، ۱۳۷۲: ۱۷۵۶/۳). «حکم» نیز صرفاً معنای آیینی ندارد و هر تصمیم قضایی نسبت به جان، مال یا آزادی را دربر می‌گیرد (مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). نمونه‌هایی چون توقیف اشتباه اموال، محکومیت نادرست به دیه یا منع فعالیت تجاری نشان می‌دهد که زیان‌دیدگان می‌توانند با اثبات تقصیر یا اشتباه، خسارت را از قاضی یا دولت مطالبه کنند. مواد ۱۳، ۴۸۶ و ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی نیز چهارچوب قانونی این مسؤولیت را گسترش می‌دهند. ماده ۱۳ به ممنوعیت اجرای حکم بیش از میزان قانونی اشاره دارد و خسارات ناشی از این تجاوز را - در صورت عمد یا تقصیر - متوجه قاضی می‌داند و در غیر این صورت دولت جبران می‌کند. ماده ۴۸۶ سازوکار جبران پس از کشف نادرستی احکام قصاص، حدود یا تعزیرات منتهی به قتل یا صدمه را بیان و در موارد عمد یا تقصیر فاحش، قاضی را مسؤول شخصی معرفی می‌کند. ماده ۵۹۷ نیز امتناع یا

۱- در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی، از جمله مواد ۵۸۷، ۵۹۷، ۶۰۴ و دیگر قوانین و مقررات در بیان مسؤولیت قضات، از قضات محاکم و دادرها تحت عنوان عام قضات، مستخدمین قضایی، دارندگان پایه‌های قضایی و عناوین مشابه دیگر یاد شده است و قضات دادرها از نظر جرایم و مجازات‌های شغلی و تخلفات انتظامی و

امکان تعقیب جزایی یا انتظامی مشابه و معادل قضات محاکم به حساب آمده‌اند، به‌علاوه، از جهت شرایط استخدام، پیشرفت، ارتقا، حیثیت و شئون شغلی نیز تفاوتی بین قضات دادگاه‌ها و دادرها وجود ندارد.

اعتبار شخصی یا خانوادگی وارد کند، زیان دیده حق مطالبه جبران مادی و معنوی دارد، مانند مورد محکومیت ناحق به حبس و شلاق که علاوه بر درد جسمانی، موجب آسیب جدی به وجهه اجتماعی فرد می‌شود. در همه این موارد، تحقق مسؤولیت مشروط به اثبات رابطه سببیت میان شهادت و ضرر است و نوع خسارت قابل جبران، طیفی از زیان‌های مالی و بدنی تا آسیب‌های معنوی را شامل می‌شود.

۱۱-۱-۲-۳-اکراه

در حقوق ایران، هرچند مسؤولیت مدنی ناشی از «اکراه» به طور مستقل تصریح نشده، اما برخی مواد قانونی مبنای آن را فراهم می‌کنند. ماده ۳۰۹ قانون مدنی، اکراه و تهدید را در صورتی که مانع تصرف یا حفظ مال شود و به تلف آن بینجامد، موجب ضمان می‌داند. همچنین مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اکراه و تهدید را به عنوان جرایم مستقل شناخته‌اند و با توجه به تقدم مسؤولیت کیفری بر مسؤولیت مدنی، وقوع خسارت مادی ناشی از این اعمال منوطاً موجب ضمان مدنی خواهد بود، علاوه بر این، عموم مواد ۳۳۱ قانون مدنی و ۱ و ۲ قانون مسؤولیت مدنی که هر فعل زیان‌بار نامشروع را دربر می‌گیرند، جبران خسارات ناشی از اکراه و تهدید را در چهارچوب قواعد عام مسؤولیت مدنی قابل مطالبه می‌سازند.

۳-۳- رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار غیرمادی و زیان وارده

در نظام مسؤولیت مدنی، افعال غیرمادی، هرچند فاقد جلوه‌های محسوس و مادی‌اند، می‌توانند آثار زیان‌بار و جبران‌پذیر بر جان، حیثیت و منافع اشخاص بر جای نهند. تحقق مسؤولیت، افزون بر وجود ضرر و فعل زیان‌بار، مستلزم احراز رابطه سببیت میان فعل و زیان وارده است؛ شرطی که فقدان آن، مسؤولیت مدنی را منتفی می‌سازد و از بدیهیات مورد اتفاق نظر حقوق دانان محسوب می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵۹؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۶۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶؛ داراب‌پور، ۱۳۹۰: ۱۴۷). «سبب» در این معنا، عاملی است که وجودش ملازم با وجود مسبب و عدمش ملازم با عدم آن باشد، به نحوی که اگر موجود نمی‌گردید، زیان نیز پدید نمی‌آمد و با تحقق آن، ضرر نیز حادث می‌شود. این ضابطه، هم در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر و هم در مسؤولیت بدون تقصیر جریان دارد، هرچند در حالت نخست، اثبات رابطه سببیت آسان‌تر است، زیرا زیان به عامل مقصر مستند می‌گردد.

۳۳۱ قانون مدنی و ۱ و ۲ قانون مسؤولیت مدنی این مسؤولیت را تقویت می‌کنند. مثال بارز، ارزیابی مالی اشتباه در دعوی بین دو شرکت است که موجب تضییع حق واقعی یکی از طرفین می‌شود. قانون‌گذار با جرم‌انگاری تخلف کارشناسان، اهمیت بی‌طرفی و صحت نظریه کارشناسی را دوچندان کرده است. با توجه به این که نظریه کارشناسی اغلب مبنای رأی قضایی قرار می‌گیرد، خطا یا تقصیر کارشناس عملاً همان آثار رأی قضایی نادرست را دارد و به همان میزان قابل تعقیب و مطالبه خسارت است.

در نتیجه، در سه حوزه قضات، داوران و کارشناسان، رأی یا تصمیم حرفه‌ای آنان می‌تواند مصداق فعل غیرمادی زیان‌آور باشد. نظام حقوقی ایران با اتکا بر اصول فقهی، مانند قاعده لاضرر و تسبیب، مواد قانون اساسی، قانون مسؤولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی و قوانین آیین دادرسی، دامنه‌ای گسترده برای جبران خسارات ناشی از خطا، قصور یا تقصیر این افراد پیش‌بینی کرده است. ضابطه اصلی، اثبات رابطه سببیت بین رأی و ضرر است و مسؤولیت بسته به عمد، تقصیر یا اشتباه، میان شخص مرتکب و دولت تقسیم می‌شود، با هدف تضمین عدالت و صیانت از حقوق شهروندان.

۱۰-۱-۲-۳-شهادت

در حقوق ایران، اعمال شاهد می‌تواند منجر به مسؤولیت مدنی شود، هرچند قانون‌گذار در برخورد با مصادیق آن رویکردی متفاوت دارد. «شهادت کذب» براساس ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً موجب الزام به جبران خسارت شناخته شده است، اما «کتمان شهادت» و «رجوع از شهادت» در قوانین به شکل مستقیم در شمار موجبات ضمان نیامده‌اند. با این وجود، فقدان تصریح قانونی مانع شمول آن‌ها در قالب قواعد عام چون اتلاف، تسبیب و لاضرر و مواد ۳۳۱ قانون مدنی و ۱، ۲، ۵، ۶ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی نیست. این مواد، هر فعل زیان‌بار، اعم از مادی و غیرمادی را دربر گرفته و زمینه محکم برای جبران خسارت فراهم می‌آورند. بر این اساس، هرگاه شاهد با کتمان حقیقت یا بیان دروغین موجب تلف مال، آسیب بدنی، کاهش توان کار یا افزایش مخارج زندگی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت است، چنان که شهادت ناحق منجر به قطع دست نجار و از دست رفتن توان کاری یا محکومیت مالی بی‌گناه در تصادف رانندگی، حتی صدور حکم اعدام اشتباه و خسارات مترتب بر آن می‌شود. همچنین چنان‌چه شهادت باطل لطمه‌ای به حیثیت و

درخصوص افعال غیرمادی، گاه عمل شخص، مستقیماً سبب ورود زیان می‌شود و گاه رابطه بین عامل زیان و شخص دیگری، به‌صورت اجتماع سبب و مباشر تحقق می‌یابد. در حالت نخست، هرگاه ورود زیان، مستند به فعل غیرمادی شخص باشد، مسؤولیت جبران خسارت برعهده اوست و از قواعد عمومی مسؤولیت مدنی پیروی می‌کند. به‌عنوان نمونه، فریادزدن بر شخصی که موجب ایجاد ترس و ورود زیان معنوی به او شود (ماده ۱ ق.م.م)، یا نسبت‌دادن تهمت و افترا و همچنین اعمالی، مانند چشم‌زخم یا سحر و جادو که به زیان دیده یا اموال وی آسیب وارد کنند، همگی از مصادیق این حالت‌اند؛ در حالت دوم، یعنی اجتماع سبب و مباشر، شخصی مقدمات و شرایط ورود ضرر را فراهم می‌کند و دیگری به‌طور مستقیم موجب تحقق آن می‌شود. برای مثال، اگر فردی دیگری را هیپنوتیزم کند یا تحت القائات روانی قرار دهد و در نتیجه، شخص اخیر مرتکب ورود زیان گردد یا زیان ناشی از رأی دادگاه، داور یا کارشناس بر مبنای اظهارات شهود تحقق یابد، اجتماع سبب و مباشر پدید می‌آید. طبق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است، مگر آن که سبب اقوی باشد، به‌گونه‌ای که عرفاً اتلاف به او مستند شود. بنابراین اگر شهادت دروغ شهود باعث صدور رأی دادگاه، داور یا کارشناس شود، سبب از مباشر قوی‌تر محسوب و ملزم به جبران خسارت خواهد بود. همچنین اگر کسی دیگری را اکراه، اجبار یا فریب دهد تا عملی را انجام دهد که موجب زیان شود، در فرض اجبار، اجبارکننده و در فرض اکراه، شخص مکروه مسؤول جبران خسارت است؛ با این حال، او حق رجوع به اکراه‌کننده یا فریب‌دهنده را خواهد داشت. در هر حال، ضوابط حاکم بر اجتماع سبب و مباشر در این موارد جاری است. در نهایت، اگر فعل غیرمادی متعارف باشد، ولی به ورود زیان بینجامد، در صورتی که مبنای مسؤولیت، تقصیر باشد، فاعل مسؤولیتی نخواهد داشت، زیرا تقصیری رخ نداده است، اما اگر مبنای مسؤولیت بدون تقصیر باشد، براساس معیار استناد در مسؤولیت مدنی، هرگاه زیان عرفاً به فاعل منسوب گردد، وی ضامن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تتبع در مقررات مسؤولیت مدنی و مبنای فقه امامیه نشان می‌دهد که هرچند قانون‌گذار صراحتاً از «فعل غیرمادی» به‌عنوان رفتار مسؤولیت‌آور یاد نکرده است، اما با قیاس تحلیلی میان افعال مادی و غیرمادی و با اتکا بر قواعد عامی، چون لاضرر، اتلاف و تسبیب، می‌توان این دسته از اعمال را نیز در زمره اسباب ضمان دانست؛ مشروط به اجتماع سایر ارکان مسؤولیت مدنی، یعنی وقوع ضرر، فعل زیان‌بار و احراز رابطه سببیت.

مبنای اصلی مسؤولیت مدنی در این حوزه، دو ملاک بنیادین است: تقصیر نوعی (رفتار خارج از معیار انسان متعارف) و استناد عرفی ضرر به فاعل. از رهگذر این دو ضابطه، هرگاه فعل غیرمادی - هرچند فاقد تماس یا نمود عینی - موجب ورود ضرر مادی، جسمی یا معنوی گردد، ضمان مرتکب قائم و تکلیف جبران ثابت خواهد بود. مصادیق این اعمال دامنه‌ای گسترده دارند: از چشم زخم، سحر و هیپنوتیزم تا ترساندن، هتک حرمت، انتقال بیماری، القای روانی، شوک روانی، رأی قضایی، داوری و کارشناسی، شهادت خلاف واقع و اکراه، مصادیقی که با تحولات اجتماعی و علمی، روزبه‌روز بر قلمرو آن‌ها افزوده می‌شود.

رابطه سببیت میان فعل غیرمادی و ضرر وارده، در پرتو ضوابط عرفی و مقرراتی، چون ماده ۳۳۲ قانون مدنی، در اغلب موارد

درخصوص افعال غیرمادی، گاه عمل شخص، مستقیماً سبب ورود زیان می‌شود و گاه رابطه بین عامل زیان و شخص دیگری، به‌صورت اجتماع سبب و مباشر تحقق می‌یابد. در حالت نخست، هرگاه ورود زیان، مستند به فعل غیرمادی شخص باشد، مسؤولیت جبران خسارت برعهده اوست و از قواعد عمومی مسؤولیت مدنی پیروی می‌کند. به‌عنوان نمونه، فریادزدن بر شخصی که موجب ایجاد ترس و ورود زیان معنوی به او شود (ماده ۱ ق.م.م)، یا نسبت‌دادن تهمت و افترا و همچنین اعمالی، مانند چشم‌زخم یا سحر و جادو که به زیان دیده یا اموال وی آسیب وارد کنند، همگی از مصادیق این حالت‌اند؛ در حالت دوم، یعنی اجتماع سبب و مباشر، شخصی مقدمات و شرایط ورود ضرر را فراهم می‌کند و دیگری به‌طور مستقیم موجب تحقق آن می‌شود. برای مثال، اگر فردی دیگری را هیپنوتیزم کند یا تحت القائات روانی قرار دهد و در نتیجه، شخص اخیر مرتکب ورود زیان گردد یا زیان ناشی از رأی دادگاه، داور یا کارشناس بر مبنای اظهارات شهود تحقق یابد، اجتماع سبب و مباشر پدید می‌آید. طبق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است، مگر آن که سبب اقوی باشد، به‌گونه‌ای که عرفاً اتلاف به او مستند شود. بنابراین اگر شهادت دروغ شهود باعث صدور رأی دادگاه، داور یا کارشناس شود، سبب از مباشر قوی‌تر محسوب و ملزم به جبران خسارت خواهد بود. همچنین اگر کسی دیگری را اکراه، اجبار یا فریب دهد تا عملی را انجام دهد که موجب زیان شود، در فرض اجبار، اجبارکننده و در فرض اکراه، شخص مکروه مسؤول جبران خسارت است؛ با این حال، او حق رجوع به اکراه‌کننده یا فریب‌دهنده را خواهد داشت. در هر حال، ضوابط حاکم بر اجتماع سبب و مباشر در این موارد جاری است. در نهایت، اگر فعل غیرمادی متعارف باشد، ولی به ورود زیان بینجامد، در صورتی که مبنای مسؤولیت، تقصیر باشد، فاعل مسؤولیتی نخواهد داشت، زیرا تقصیری رخ نداده است، اما اگر مبنای مسؤولیت بدون تقصیر باشد، براساس معیار استناد در مسؤولیت مدنی، هرگاه زیان عرفاً به فاعل منسوب گردد، وی ضامن خواهد بود.

چالش اصلی در این حوزه، پیچیدگی تعیین و سنجش ضرر غیرمادی، تمییز علل مؤثر از عوامل غیرمؤثر (تعیین ضابطه رابطه سببیت میان فعل و زیان) و تحدید دایره مسؤولیت برای جلوگیری از اطلاق بی‌ضابطه آن است. غالب دشواری‌ها ناشی از کمبود دلایل محسوس و اتکای ناگزیر به قرائن عرفی یا شهادتات

سه‌م نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، چ ۳، بیروت: دارالفکر للطابعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴.

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۸، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.

- انصاری، مرتضی، مکاسب، ج ۳، چ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.

- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت، ۱۳۸۱.

- باریکلو، علیرضا، مسؤولیت مدنی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.

- بجنوردی، سیدمحمدحسن، القواعد الفقهیه، ج ۴، قم: دلیل ما، ۱۴۱۳.

- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، چ ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

- بهجت، محمدتقی، استفتانات، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت، ۱۴۲۸.

- بهرامی احمدی، حمید، مسؤولیت مدنی، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۲، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.

- حسینی‌مراغی، سیدمیرعبدالفتاح، العناوین، ج ۲، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵.

قابل احراز و اثبات است، حتی در صورت اجتماع سبب و مباشر، قواعد حاکم بر تقویت یا ضعف سبب، مسؤول جبران را معین می‌سازد. افزون بر آن، در فرض فقدان تقصیر، ولی تحقق ضرر و انتساب عرفی آن به فاعل، اصل لزوم جبران خسارت - به‌عنوان حکم عقل و بنای عقلا - بر حمایت از زیان‌دیده و بی‌نیازی از شرط تقصیر تأکید دارد.

با این وصف، به‌منظور رفع ابهام و استقرار عدالت حمایتی، موارد زیر به‌عنوان تدابیر عملی پیشنهاد می‌شود:

۱- تقنین تعریف جامع و مانع از افعال غیرمادی مسؤولیت‌آور، با تصریح به شمول ضررهای مادی، معنوی و جسمی، به‌ویژه آسیب‌های روانی و آبرویی؛

۲- تدوین آیین‌نامه اثباتی ویژه که پذیرش شهادت اهل خبره، گزارش‌های علمی، قرائن فنی و ادله دیجیتال را در این‌گونه دعاوی تضمین کند؛

۳- ایجاد بانک رویه واحد قضایی که آرای دادگاه‌ها در دعاوی افعال غیرمادی را طبقه‌بندی و منتشر کند تا وحدت رویه و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات تقویت شود؛

۴- آموزش میان‌رشته‌ای قضات و وکلا با محوریت حقوق، روان‌شناسی و علوم اجتماعی برای ارتقای توان تشخیص آثار افعال غیرمادی؛

۵- تقویت قواعد اسناد عرفی و امارات قانونی برای تسهیل احراز رابطه سببیت در مواردی که تماس مستقیم وجود ندارد.

بدین ترتیب با هم‌افزایی مبانی فقهی و مقررات موضوعه و اتخاذ تدابیر اجرایی فوق، می‌توان مسؤولیت مدنی ناشی از افعال غیرمادی را از مرتبه نظریه‌پردازی به عرصه کاربردی مؤثر رساند و ضمن حمایت همه‌جانبه از کرامت انسانی، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی را تضمین نمود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

- حکمت‌نیا، محمود، مسؤولیت مدنی در فقه امامیه، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- داراب‌پور، مهرباب، مسؤولیت‌های خارج از قرارداد، ج ۲، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۷، ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- زرقا، المصطفی احمد، المدخل الفقہی العام، ج ۲، دمشق: دارالفکر، بی تا.
- صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ معاصر، ج ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- صفایی، سیدحسین، حبیب‌الله رحیمی، مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، ج ۸، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- صورت مشروح مذاکرات بررسی قانون اساسی (جلسه شصت و چهارم)، ج ۳، ۱، ۳، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ۳، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷.
- عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ج ۳، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، ج ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۲، ۲۷، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۸۴.
- غروی اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب المکاسب، قم: پایه دانش، ۱۴۲۵.
- فرشیدورد، خسرو، فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، ج ۱، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۳.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، ج ۱، تهران: نشریلدا، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، مسؤولیت مدنی، ج ۱۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المجله، نجف الاشرف: مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹.
- مازندرانی، محمدصالح، تأملی بر مسؤولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، شماره ۷، دوره دوم، زمستان ۱۳۸۴.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، ج ۱، ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶.
- مشنقیح، خالد بن علی بن محمد، الضمان، ج ۱، بی جا، بی تا، بی تا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ۱، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
- معلوف، لویس، المنجد، ج ۲، تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir>.
- مکارم شیرازی، ناصر، قواعد الفقہیه، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی، ۱۴۲۵.
- هاشمی، احمدعلی، دامنه مسؤولیت مدنی، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسؤولیت مدنی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.